

بقیه مطالب این شماره :

صفحه ۶	در باره جبهه ملی سوم ایران
صفحه ۸	زندگی و مبارزه يك انقلابی بزرگ
صفحه ۸	مسائلی که جنبش دانشجویی با آنها
صفحه ۸	روبرو است
صفحه ۳	فکر عمومی جهان اعتراض میکند
صفحه ۸	رویدادها و تفسیرها
صفحه ۸	تقویم مردم

ششمین کنگره سندیکائی جهانی قطعنامه ای در باره ایران تصویب کرد

دیر کل فدراسیون لوئی سایان گفت : فدراسیون سندیکائی جهانی وارد دوران جدید ، دوران احیای وحدت سندیکائی بین المللی میشود .

ششمین کنگره سندیکائی جهانی در اکتبر گذشته در ورشو برگزار شد . نمایندگان ۱۶۰ میلیون زحمتکش ۹۰ کشور از کلیه تارها و از آنجمله نمایندگان کارگران ایران در این کنگره شرکت داشتند . لوئی سایان دبیر دل فدراسیون در جلسه افتتاحیه بهمناسبت بیستمین سال تأسیس فدراسیون سندیکائی جهانی نطقی ایراد کرد و از آنجمله گفت : « هنگامیکه در تاریخ ۸ اکتبر سال ۱۹۲۴ نخستین کنگره سندیکائی جهانی در پاریس پایاں یافت ، فدراسیون سندیکائی جهانی بوجود آمده بود ، اسامنامه ای داشت ، ارکانهای رهبریش انتخاب شده بودند ، برنامه عملش ضمن اسناد و مدارک تصویب کنگره تعیین گشته بود . این حادثه اهمیت شایان توجهی را حائز بود ، دوران نئی در تاریخ سندیکائی بین المللی شروع میشد . این کنگره هم در باره مراکز سندیکائی ملی قدیم و نئی صادق بود و هم در باره سندیکاهاییکه ملی سناهایی بعد در کشورهای مختلف تشکیل یافته اند . لوئی سایان رشد تشکیل طبقه کارگر را نشان داده گفت : از تاریخ تشکیل فدراسیون تعداد زحمتکشان متشکل در اتحادیه ها با وجود مشکلات دروسی در جنبش سندیکائی برخی از کشورهای و ملی رغم تضیقات دولتها و کار فرمایان سال بسال افزایش یافته در بیست سال اخیر از ۶۵ میلیون به ۲۰۵ میلیون رسیده است ، وی افزود که وحدت سندیکائی بین المللی در عصر روز ۸ اکتبر ۱۹۲۵ گامی قطعی بجای برداشت ، این گام برای زحمتکشان يك پیروزی واقعی است . تنها يك مرکز سندیکائی ملی از شرکت در کنفرانس سندیکائی جهانی لندن (سال ۱۹۲۵) و از شرکت در کنگره پاریس امتناع ورزید . رهبران فدراسیون کار آمریکا از عدم همکاری با فراتر نهاده مخالفت علنی و سپس بتخریب سیستماتیک وحدت سندیکائی پرداختند . بدین منظور آنها از هیچ وسیله ای از آب جمله از عمال مخصوص سرویس های دولتی و نظامی ایالات متحده آمریکا بوزنه در آلمان و ژاپن روگردان نشدند .

مردم ارکان مرکزی ضرب توده ایران

تکیه بر اختلافات و پراکندن نیز وها یا اتحاد عمل بر پایه نقاط مشترک؟

پس از عمده ترین مسائلی که اکنون در برابر جنبش کارگری جهان قرار داده مسئله تأمین وحدت نهضت کمونیستی و کارگری بین المللی و بهم پیوستگی اردوگاه سوسیالیستی است . در حل این مسئله تنها احزاب کمونیستی و کارگری و کشورهای سوسیالیستی ذینفع نیستند بلکه کلیه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست جهان نیز مستقیماً بان ذیصلاح اند زیرا در دوران کنونی وحدت و یکپارچگی اردوگاه سوسیالیستی و جنبش کارگری بین المللی شرط قطعی پیروزی بر امپریالیسم در مقیاس جهانی و در درون هر کشور است . در واقع صفت میز و خصالت عمده در دوران ما عبارت از گذار جامعه انسانی از سرمایه داری به سوسیالیسم در مقیاس جهانی است . امروز امپریالیسم دیگر آن نیروی نیست که بتواند بلامنازع بر جهان حکومت کند و سیر تحول تاریخ بشریت را تابع و وابسته به قوانین رشد خود نماید . هم اکنون يك سوم انسانیت بر راه سوسیالیسم پیوسته است و زندگی نوینی برای خویش میسازد . دست آورد های بزرگ اقتصادی علمی و فنی اردوگاه سوسیالیستی نه تنها از پیروزیهای سوسیالیسم بطور مؤثر مدافعه میکند بلکه امکانات و تسهیلات مهمی در راه مبارزه آزادی بخش خلفای اسیر فراهم کرده و در عین حال عامل بسیار نیرومندی در حفظ صلح و امنیت سراسر جهان بشمار میآید . از سوی دیگر سیستم استعماری امپریالیسم فرومیریزد ، سرزمینهای عظیمی به بازوهای شگرف او نیروهای بزرگ انسانی از صورت نیروی ذخیره امپریالیسم بیرون میآیند . مبارزه خلفای آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین در راه استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی و همچنین مبارزه کشورهای از بند رسته برای تحکیم استقلال اقتصادی و سیاسی خود ، عامل انسانی دیگری برای تحول بشریت بسوی ترقی و صلح و دموکراسی میگردد .

بیست سال از جنبش دموکراتیک آذربایجان می گذرد

بیست سال پیش در روز ۲۱ آذر ۱۳۲۴ جنبش دموکراتیک آذربایجان تحت رهبری سرافراز میر جعفر پیشه‌پوری در استان آذربایجان دست به قیام زد و نظامی قهرآمیزانه در این استان برقرار ساخت . این جنبش بود که در آن اکثریت مردم آذربایجان کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ، معلمان و بازرگانان و سرمایه‌داران کوچک و متوسط شرکت جستند . این جنبش بود علیه امپریالیسم و ارتجاع برپا شد که در آن روزها سراسر ایران برای تأمین حقوق خلق مردم آذربایجان در زمینه آزادی امور خود و برپاداری از زبان و فرهنگ ملی ، جنبش دموکراتیک آذربایجان و همزمان این جنبش دموکراتیک کردستان میخواستند اهمی برای اعلام بارز هم نیرومندان جنبش در سراسر کشور باشند و درست همچون جهت مورد پشتیبانی حزب ما و دیگر سازمانها و مجالس ملی و دموکراتیک و عظیم کمتری ، اسرار انقلابی قرار گرفتند . جنبش دموکراتیک آذربایجان در زمینه خالی بیندا شد . مبارزات حزب توده ایران ، سازمانهای دموکراتیک دیگر چشم و گوش

مردم را باز کرده بود . جنبش دموکراتیک کشور در حال اعتلاء بود . روز بروز توده های تازه ای از مردم ایران به صفوف مبارزه در راه استقلال و دموکراسی علیه ارتجاع و استعمار میپیوستند و نیروهای ترقی دزراشت کشور در مقیاس وسیعی متشکل میشدند . آذربایجان یکی از مراکز فعالیت نیرو های ترقی بود . در این شرایط و در نتیجه خست خورد سربهای توت مروری و روش پیروغانه کابینه صدر وحکمی نسبت به خواستهای خلق مردم آذربایجان ترتیبی فشار و اندام و بیباده نامورین دولت و جزو سیستم مملکتان و نمودارها ، مردم آذربایجان بستوه آمدند . آذربایجان مهد جنبش های انقلابی متعددی است . خطا و مبارزه استقامتها ، حیدر عوامی ها ، شیخ محمد خیابانی ها ، در ضمن مردم آذربایجان زنده تر از آن بود که بتواند فشار و اهانت را خوشامنه تحمل

خصلت ، هدف و دستاورد های جنبش
بیست سال پیش در روز ۲۱ آذر ۱۳۲۴ جنبش دموکراتیک آذربایجان تحت رهبری سرافراز میر جعفر پیشه‌پوری در استان آذربایجان دست به قیام زد و نظامی قهرآمیزانه در این استان برقرار ساخت . این جنبش بود که در آن اکثریت مردم آذربایجان کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ، معلمان و بازرگانان و سرمایه‌داران کوچک و متوسط شرکت جستند . این جنبش بود علیه امپریالیسم و ارتجاع برپا شد که در آن روزها سراسر ایران برای تأمین حقوق خلق مردم آذربایجان در زمینه آزادی امور خود و برپاداری از زبان و فرهنگ ملی ، جنبش دموکراتیک آذربایجان و همزمان این جنبش دموکراتیک کردستان میخواستند اهمی برای اعلام بارز هم نیرومندان جنبش در سراسر کشور باشند و درست همچون جهت مورد پشتیبانی حزب ما و دیگر سازمانها و مجالس ملی و دموکراتیک و عظیم کمتری ، اسرار انقلابی قرار گرفتند . جنبش دموکراتیک آذربایجان در زمینه خالی بیندا شد . مبارزات حزب توده ایران ، سازمانهای دموکراتیک دیگر چشم و گوش

بقیه از صفحه ۱

ذی‌علاقه است. یکی از لحاظ ماهیت طبقاتی و پایه عقیده ای خود و دیگری از جهت مصالح عالی جنبش انقلابی مردم ایران. این دو جهت در عین حال با یکدیگر پیوند منطقی دارند و جدائی آنها از هم تخصصی است زرا منافع طبقه کارگر ایران و حزب آن، حزب توده ایران، از مصالح و منافع مجموع جنبش زبانی بخش ملی جدار نیست و جنبش رهائی بخش ایران جز از راه اتحاد با طبقه کارگر و سایر زحمتکشان شهر و ده و جز از طریق اتحاد محکم همه نیروهای ملی و آزادیخواه امکان نیل به هدفهای مشروع خود و تحقق آن ندارد. وحدت مارکسیستی و همدستی بین المللی

کارگری یکی از ارکان اساسی آموزش مارکسیسم-لنینیسم است که حزب توده ایران و سایر احزاب مارکسیستی-لنینیستی پیرو آنند. بهمن جهت است که در مقدمه برنامه حزب توده ایران این نکته به درستی تصریح شده است که: «حزب توده ایران پشتیبان جنبش کارگران کلیه جهان است و پشتیبانی معنوی این جنبش تنگنه نمیکند». از ایننگام که شمار معروف کارل مارکس و فریدریش انگلس، بنیان گذاران سوسیالیسم علمی کارگران همه کشورها متحد شوند، در جهان طین انداز شد بیش از یکصد و هفده سال میگذرد در این مدت بیش از یکترن جنبش کارگری بین المللی کوششهای فراوانی بمنظور تحقق این شمار بعمل آورده و از فراز و نشیب‌های گوناگونی گذشته است. ولی بی تردید میتوان گفت که هیچگاه اختلافاتی در این نهضت از سر گذرانده بدزجه امروز در سر نشویند جنبش عمومی انقلابی تأثیر نداشته است. از اینرو مسئله تأمین وحدت نهضت کمونیستی و کارگری بین المللی نیز یکی از مسائل عمده عصر ما مبدل گردیده است.

وقوع اختلافات در مورد تاکتیک و خط مشی سیاسی در جنبش کارگری امری طبیعی است و این خود یکی از پدیده‌های رشد و توسعه نهضت است زیرا چنانکه لندن بیان میکند: «اگر بجای آنکه این جنبش را در مقیاس ناپدید آل موهومی بسنجیم آنرا به مقابله نهضت واقعی انسانهای عادی در نظر بگیریم بطور وضوح آشکار میگردد که جنبش بی‌پایه‌ایان»

نو و کوشش‌های تازه ای از توده‌های زحمتکش ناگزیر باید با تزئین و تزویرهای در زمینه تئوری و تاکتیک در مورد یکبار اشتباهات گذشته برگشت موقوت بیوی نظریات و اصولهای کهنه و غیره همراه باشد. از سوی دیگر سرمایه داری در کشور های مختلف و در شاخه‌های متنوع اقتصاد ملی با سرعت و اجابتی رشد نمیکند. در شرایط حد اکثر رشد صنعت است که مارکسیسم به آسانترین، سریعترین، کاملترین و پایدارترین شکل خود بوسیله طبقه کارگر و ایدئولوگهای آن ملکه میشود. مناسبات اقتصادی عقب افتاده یا مناسباتی که از رشد خویش عقب مانده‌اند دائماً هودارانی از نهضت کارگری بطور میرسانند که قطع پارهای از جوانب مارکسیسم برخی از قسمتهای جهان یعنی جدید و یا بعضی شماره ها و خواستها را جذب میکنند و توانائی آنرا ندارند که قطعاً پایه‌های سنتهای عقاید بورژوازی بطور کلی و نظریات دموکراتیک بورژوازی بطور اخص بربند.

غلاوه بر این، اختلاف دیالکتیکی تکامل اجتماعی که در مبارزه تضادها و از طریق تضادها انجام میگیرد، منجر به دامن شدن اختلافات است. بالاخره یک علت بسیار مهمی که موجب بروز اختلافات جز ذئون جنبش کارگری میشود عبارت است از تغییرات تاکتیککی طبقات خاک که بطور کلی و بورژوازی بطور اخص میسر است. (*) این تطایع عمیق که تین از عاقل اختلافات در جنبش کارگری نمودند است در مقیاس بین المللی نیز کاملاً صدق میکند. بویژه آنکه امپریالیسم با تحریکات عدیده ای که در پیروانش دیده‌های اخیر بدست آورده توانائی آنرا یافته است که بسرعت تاکتیک مبارزه خود را تغییر دهد و از شدت به نرمش و از نرمش به شدت از تعرض بهفت نشینی و از شکوت موقت به هجوم گرایش یابد. از سوی دیگر انشعاب سوسیالیسم در کشورهای مختلف که از لحاظ پیشرفت اقتصادی بر کتب (*) از نوشته لندن تحت عنوان و اختلاف در جنبش کارگری اروپائی، ترجمه فرانسه چاپ ۱۹۵۲

تکیه بر اختلافات و پراکندن نیروها یا اتحاد عمل بر پایه نقاط مشترک؟

طبقاتی و آگاهی اجتماعی در یک سطح نبوده اند ناگزیر موجب بروز برخی اختلاف نظر ها در ارزیابی حوادث در تحویل پدید آمده ها در اسلوب ساختمان سوسیالیسم و بالاخره در مورد تاکتیک عمومی نهضت میگردد. برخی از مسائل بین المللی از دیدگاه منافع خاص محلی و ملی یا بر مبنای عملی درک ماهیت تغییرات و تحولاتی که انجام شده است قضاوت میشود و بر اساس این تصورهای یکجانبه ای بوجود میآید. بنا بر این نفس بروز اختلاف نظر بر سر این یا آن مسئله در جنبش کارگری بین المللی و حتی در میان اعضای اردوگاه سوسیالیستی شگفت آور نیست ولی آنچه مایه تأسف و تعجب است اینست که یکی از جهات اختلاف بجای آنکه در صدد برآید نظری را که خود صحیح میدانند از راه بحث و اقیاع منطقی از طریق تشکیل کفراینها و مشاورات چند جانبه یا همکاری احزاب برادر چنانکه سنت جنبش کارگری است ب دیگران بقبولاند نظریه خود را مطابقت و نظریات دیگران را ضد مارکسیستی، ضد انقلابی و غیره و غیره اعلام دارد و بخواهد که با تهدید ناشماب و ایراد اتهامات گوناگون عقیده خویش را به تمام نهضت کارگری و کمونیستی تحمیل نماید.

بدیهی است چنین روشی از بنیان با موازین و اصول احزاب مارکسیستی-لنینیستی با مناسبات برافراهنای که منطقی باید بین این احزاب وجود داشته باشد مبیان است و ناچار نه تنها به جنبش کارگری در مجموع خود زبان می‌رساند بلکه موجب آن میشود که امپریالیسم از این شکاف و اختلاف بسود خود و بضرر نهضت انقلابی خلقهای جهان استفاده کند و حتی برخی از مواضع از دست داده را از نو اشغال نماید. بی‌شکوه نیست که در جزایان چهار سال اخیر یعنی در دورانی که این اختلافات شدت یافته امپریالیسم امریکا دست با اقدامات تعرضی آشکار در نقاط مختلف جهان زده است و حتی جسارت را بجائی رسانده که یکی از کشورهای اردوگاه سوسیالیستی (جمهوری دموکراتیک آلبانی نام) را مورد تهاجم قرار میدهد.

نتیجه آن شده است که اکنون بجای آنکه جنبش کارگری اردوگاه سوسیالیستی با وحدت و یکپارچگی خود از اختلافات اردوگاه امپریالیستی بنحو کامل استفاده کند این امپریالیستها هستند که می‌کوشند اختلافات جنبش کارگری را مورد استفاده قرار دهند. منظور این نیست که یکبار دیگر در اینجا مسائل مورد اختلاف بین رهبری حزب کمونیست چین و سایر احزاب برادر و چگونگی آنرا طرح کرده و درباره آنها به بحث بپردازیم. موضع حزب ما در این مورد ضمن اسناد متعددی انتشار یافته و اکنون حاجتی بتکرار آن نیست آنچه فلا برای همه مارکسیستها برای مجموع جنبش کارگری جهانی و همه نهضت انقلابی جهانی اهمیت دارد راه بروی رفت از این بحراب و طریقه تأمین وحدت و یکپارچگی در نهضت است البته تصور اینکه این اختلافات یکباره خاتمه یابد و از راه معجزه آسانی اختلاف و تفرقه بوحثت و اتحاد تبدیل گردد خیالیان کورته نظرانه ای است. آنچه در اوضاع و احوال پیشان میدهد این روش سر دراز دارد زیرا وحدت و اتحاد لا اقل دو طرف دارد و اگر یکی از طرفین علی رغم کوشش ها و مجاهدات طرف دیگر نخواهد گامی در راه وحدت برد در آن صورت هر قدر هم موضع و اقدامات طرف دیگر درست و منطقی باشد حصول نتیجه امکان پذیر نیست.

از سرفقاله ای که روزنامه زمین زبانی از کار رسمی حزب کمونیست چین در ۱۳ دسامبر ۱۹۵۶ انتشار داده است چنین برمیآید که رهبری حزب کمونیست چین با وجود اینکه با همبستگی حیاتی وحدت برای پیروزی پر دشمن مشترک اذعان دارد و صریحاً می‌نویسد که: «نظر ما بر همکاری بین المللی تنها با متحد ساختن نیرو های خود و با متحد شدن تمام نیرو هایی که میتوانند در جزایان نیرو علیه سرمایه داری و امپریالیسم در جریان انقلاب جهانی متحد گردند قاصر است. پر دشمن پیروز گردیده با قوسل پاینده تنها وحدت برابری اصول میسر است و با استیفاء باین دعوی که کوبا رهبری حزب کمونیست شوروی و سایر احزاب برادر چار پیروزییم خروشیچی شونده هرگونه وحدتی را با این حزب و

و بعدا کتر این کماک مبدول گردد حزب کمونیست اتحاد شوروی معتقدست هیچ دلیل بهانه هیچ اختلاف قدیم و جدیدی نمیتواند و نباید مانع این کماک شود. حزب کمونیست اتحاد شوروی بارها در این باره بحزب کمونیست دولت جمهوری توده ای چین مراجعه کرده و همکاری آن را طلب نموده است. ولی متأسفانه حزب کمونیست چین در همانحال که فریاد دفاع از ملت قهرمان ویتنام را با آسمان رسانده است و عملاً از اشتراک مساعی فر این زمینه خودداری میکند و بدین ترتیب مبارزه این ملت زبان می‌رساند شکست آورست که در همانحال رهبران حزب کمونیست چین حزب کمونیست دولت اتحاد شوروی را بعدم کماک به جنبش آزادیبخش ملی ویتنام متهم میکنند.

تنها در ویتنام نیست که آثار سوء و شوم سیاست تفرقه و انشعاب رهبران حزب کمونیست چین آشکار شده است. در هر نقطه جهان که مبارزه ضد امپریالیستی در جریان است، سیاست تفرقه و انشعاب به آن زبان رسانده است. روش حزب توده ایران در قبایل اختلافات موجود در نهضت جهانی کارگری و طریق غایبه بر آن مصوح و خالی از اتهام است. ما هوادار وحدت اندیشه و عمل تمام احزاب مارکسیستی-لنینیستی و همکاری و تعاون تمام نیرو های آزادیخواه در مبارزه بر ضد امپریالیسم و ارتجاع هستیم. ما متقدمیم که در شرایط کنونی اولین و مهمترین قدم در راه رفع اختلافات موجب وحدت عمل در مبارزه با دشمن مشترک است. فقط در میدان مبارزه فعال بر ضد دشمن مشترک و در همانحال اجرائی بحث و مشاوره صادقانه است که میتوان اختلافات موجود را از میان برداشت. حزب ما که به اصول مارکسیسم-لنینیسم پروتاری و قادیارست سیاست تفرقه و انشعاب را قویاً محکوم و آنرا عملی نافع امپریالیسم و ارتجاع نمی‌شمارد. ما در همانحال که به هدف و ماهیت اختلافات موجود در نهضت جهانی کارگری توجه کامل داریم متقدمیم که علیرغم تمام کوششها و اشتدالات رهبران حزب کمونیست چین مبنای عملی وحدت عمل و همکاری میان تمام احزاب کمونیست و کارگری و تعاون مشترک آن با جنبشهای آزادیبخش ملی وجود دارد و این بار هم جنبش جهانی کارگری علیرغم تمام اشکالات موجود از بسوه آزمایش و کوشش برای وحدت پیروزوند بیرون خواهد آمد.

بقیه از صفحه ۳

در باره جنبه ملی سوم ایران

همکاری کنیم ضمن جنبش همکاری است که درستی یا نادرستی ارزیابیها و تضاد روشن میشود. در هر صورت امیدواریم که جنبه ملی سوم در واقع و با صداقت در راه اجرای شعارهای سازمانی و سیاسی خود بکوشد. بدون جلب توجه و تأیید توده های زحمتکش

مبارزه ثمر بخش نیست

گمان نمیرود در این اصل مسلم که هر پیروزی نهضت نجات بخش ملی توده های مردم نقش اساسی و درجه اول را دارندشکی وجود داشته باشد. چه در مبارزه قهر آمیز و توده ها یعنی اکثریت مردم است که ضریب اساسی را بدشمن وارد میکند. تنها جنبه ای از سازمانها و شخصتهای سیاسی بدون آنکه توده های میلیونی را پشت سر خود داشته باشد نمیتواند کاری از پیش ببرد بنا بر این جنب اعتماد مردم که اکثریت آنها را توده های زحمتکش شهر و ده تشکیل میدهد شرط ضروری و وظیفه درجه اول هر سازمانی است که بخواهد مبارزه را با موفقیت به پیروزی برساند و اینکه بدون در نظر گرفتن منافع توده ها و توجه بتعاملات آنها و حل سازمانی هائی که توده های زحمتکش بدانها اشتاد و

درباره جنبه ملی سوم ایران

در دو شماره پیش منظره ای از تحول جنبه ملی و کیفیت پیدایش جنبه ملی سوم بدست دادیم و از اینکه بالاخره پس از مدت‌ها تشتت و تفرق و بحرانهای داخلی لااقل اکثریت سازمانهای وابسته بجنبه ملی باین نتیجه رسیده اند که باید طبق نظر آقای دکتر مصدق «درهای جنبه ملی را بسوی همه کسانی که میخواهند بر علیه استبداد و استعمار مبارزه کنند بگشایند» ابراز خوشنودی و امید کردیم. در اینجا میخواهیم بنکاتی چند که توجه بآنها برای نضج و تکامل جنبه ملی سوم ضرور است اشاره کنیم. همانطور که بارها گفته ایم علیرغم خلات ناروایی که از طرف سازمانهای وابسته بجنبه ملی بجزب ما میشد و هنوز هم از طرف بعضی از آنها مشهود طرفداری رشد و تکامل جنبه ملی که بخش قابل توجهی از نیروهای ملی را دربر میگیرد بوده و هستیم و اکنون نیز صادقانه آنچه را که برای توسعه و تحکیم این جنبه بنظر ما مفید میسند اظهار میکنیم خوشبختانه نکاتی که در اینجا ذکر میشود کم و بیش مورد توجه قسمتی از سازمانهای وابسته بجنبه ملی نیز قرار دارد.

تنها طرز کار و فعالیت جنبه ملی سوم ملاحظه

بطوریکه معلوم است تشکیل جنبه ملی سوم نتیجه یک دوران طولانی مبارزه در درون نیروهای وابسته بجنبه ملی است قرائن نشان میدهند که این مبارزه اگرچه بفتح طرفداران نظر آقای دکتر مصدق و جناح هواخواه تشکیل جنبه ملی واقعی آنرا پیش رفته و عنوان جنبه ملی سوم نمودار این پیشرفت است اما هنوز حتی در اطراف لزوم تشکیل این جنبه مخالفت‌هایی ابراز میشود. تشریح «پیام دانشجو» منتشره در تهران از گان سازمان دانشجویان وابسته بجنبه ملی در شماره مرداد شهر ۱۳۴۱ خود را به «بعضی زمزمه های مخالف که از گوشه و کنار در باره لزوم تشکیل جنبه ملی سوم بگوش میرسد» اشاره کرده و بدین نحو ابراز نظر این میگوید که «در کار ایجاد جنبه ملی عملاً اخلال میورزند» بنظر ما این یک جریان طبیعی است که دوام و تأثیر اخلال‌گرانه آن بستگی کامل بطرز کار و فعالیت جنبه ملی سوم دارد. تنها طرز کار و اصول بنیادین عمل درست است که مخالفان با حسن نیت را از موضوع انادرست بموضع درست میکشاند و عناصری را که بر اساس انگیزه های ناسالم مخالفت میکنند متفرق و بدبترتیب زمین را برای پیشرفت کار آماده مینماید. این واقعیات است که عدم صحت روشهای سازمانی و سیاسی جنبه ملی سوم را در گذشته ثبوت رسانده و باز هم واقعیات باید صحت روشهای تازه جنبه ملی سوم را ثبوت رساند. «پیام دانشجو» در شماره یاد شده خود بدین مضمون است: «فقط اعلام تشکیل جنبه ملی سوم دردی را دوا نمیکند، بلکه مسئله اساسی و مهم چگونگی محتوی این جنبه است». جنبه ملی دوم که رهبری آن از لحاظ سازمانی و سیاسی و فعالیت عملی دچار نواقضات و اختلافات بود بقول آقای دکتر مصدق «در عرض این چند سال توانست کوچکترین قدمی در راه

آزادی و استقلال ایران بردارد...» در حالیکه مردم طرفدار جنبه ملی انتظار دیگری از آن داشتند. اینک شکل سازمانی و برنامه سیاسی روشنی در برابر جنبه ملی سوم قرار دارد که آنرا از جنبه ملی دوم ممتاز میکند ولی این شکل و این برنامه باید در عمل بکار بسته شود اگر در عمل «جنبه ملی ایران» باین اجتماع کلیه احزاب، جمعیت‌ها، اصناف و دستجاتی شود «که هدفی جز آزادی و استقلال ایران ندارند» و اگر واقعاً «درهای جنبه ملی را بسوی کسانی که میخواهند بر علیه استبداد و استعمار مبارزه کنند بگشایند» آوقت است که جنبه ملی سوم دارای محتوی درست و متناسب با جنبش‌های ملی خواهد بود و اگر در جریان عمل باز هم به تنگ نظریها و اختلافات گذشته میدان داده شود و حق انحصاری خاصی برای احزاب و جمعیتها و شخصیتهای معینی ملحوظ نگردد، جنبه ملی سوم نیز دچار رکود و سکون و بالاخره بسبب نوشت جنبه ملی دوم گرفتار خواهد شد. «پیام دانشجو» در شماره فوق‌الذکر خود در باره جنبه ملی دوم چنین مینویسد: «جنبه ملی دوم چه در مسائل سازمانی و چه سیاسی از روشها و تاکتیکهای پیروی میکرد که برای نهضت نامناسب بود و منطبق با ضرورتهای مبارزه ملی نبود» و «با حصول مسیری که رهبری جنبه ملی دوم اتخاذ کرد این شد که نهضت هنوز از بحرانی خارج نشده مواجه با بحران جدیدی گردید... تاویل بخروج از این بحران است که ضرورت تشکیل جنبه ملی سوم را توضیح میدهد در ضرورت تشکیل جنبه ملی سوم بطور ذاتی این هدف نهفته است که این جنبه از نظر محتوی، نظر روشها و تاکتیکها چه در مسائل سازمانی و چه در مسائل سیاسی دنباله جنبه ملی دوم نباشد و بر جای پای رهبری گذشته قدم نگذارد و گرنه جایجا شدن افراد و شورای مرکزی و آمدن سازمانی و رفتن سازمانی بدون تغییر محتوی جنبه ملی، مرزی بین جنبه ملی دوم و سوم بوجود نمآورد در حالیکه ما توجه بعدم اتحادی که در توده های مردم نیست به رهبری جنبه ملی سابق بوجود آمده است ضرورت مبرم دارد که اقتراق جنبه ملی دوم و سوم مشخص شود و بطور علنی برای همه مردم توضیح داده شود که چرا ما جنبه ملی سوم هستیم و اولین قدم در ایجاد این مرکز باید اشتهاات و خطاهای گذشته صادقانه بدون پرده پوشی و بدون کم و کاست و مبالغه و بدون بیم از خوش آمدتها و بد آمدن های خصوصی و بدون ملاحظه کارهای ناصواب با جسارت یک سازمان مبارز با مردم در میان گذاشته شود و بدین طریق برای جلب اتحاد مردم گنای بزرگ برداشته شود» از مندرجات تشریح «پیام دانشجو» معلوم میشود که سازمان دانشجویان وابسته بجنبه ملی باین نکته اساسی توجه دارد که «تغییر نام، خصالت و ماهیت جنبه ملی دوم را تغییر نمیدهد و آنها قبول اصل سازمانی و برنامه سیاسی درشت

تردید نیست که جمع آوری نیروهای ملی بخصوص آن قسمت که در سازمانهای مختلفی با ایدئولوژیهای گوناگون متشکل شده اند در مرحله اول امری مشکل بنظر میرسد؛ بخصوص که در نتیجه بز خورد ها و اختلافات گذشته حسابها و باخورده حسابهای پیدا شده باشد که عجز از روی آنها و بر طرف کردن آنها بلند نظری و جرأت و جسارت لازم دارد. اگر بنا باشد که اختلافات گذشته و یا حسابهای خاصی در جلب و متحد کردن نیروها دخالت داده شود و یا از بیم اتهامات ناروا دست رد بر سینه این یا آن سازمان و گروه زده شود نتیجه لازم برای پیروزی که همکاری تمام نیروها در جنبه واحدی است حاصل نخواهد شد. مسئله اصلی در شرکت دادن و جلب کردن این یا آن نیرو فقط باید آمادگی صادقانه آنها برای مبارزه علیه استبداد و استعمار باشد. ممکن است در درون جنبه علیرغم وجود هتدق مشترک، سازمانها او گروههای مختلف راه های متفاوتی برای پیشرفت مبارزه ارائه کنند و بعد نظریق در مواردی اختلاف نظرهایی بروز کند، چنین امری نه تنها بحال پیشرفت جنبه مضر نخواهد بود بلکه در کادر مراعات اصول سازمانی جنبه و هدف مشترک، مفید خواهد بود. ما توجه باین نکته است که تشریح ایران آزاد ارگان سازمانهای جنبه ملی در اروپا (شماره ۳۷) در سرفهاله خود تحت عنوان «امدهای نو» چنین مینویسد: «انفاقاً وجود «تمايلات و اگر ایشها» که در يك سازمان و بطریق اولی در جنبه امری طبیعی و اجتناب ناپذیر مینماید در عین حال نشانه غشای آن سازمان بوده میتواند علت تحزک و دناامنیك داخلی جنبه سازمانی متحرک و زنده بوجود آورد. بز خورد افکار مختلف و نشان دادن راههای متنوع در صورتیکه بخاصتر رسیدن به هدف مشترک طرح گردد و در ضمن مبارزه و مواضع با دشمن در سازمان ظهور نکند خود مفیدتر تکامل و ماده تغییر و تحول بوده حرکت سازمانی منتهی آن است» چنین است بیان «ایران آزاد»؛ صداقت سازمانها و احزاب مدعی مبارزه با استبداد و استعمار را نیتوان بطور ذهنی قبول یا رد کرد بلکه باید آنها را در کوره عمل سنجید. کسانی در

مبارزه آزادی بخش صادقانه که در مراحل مختلف مبارزه از همکاری صادقانه دریغ نورزند و صمیمت خود را در عمل نشان دهند. اصولاً وحدت نیروها و تحقق جنبه مشترکی از نیروهای ملی امری است که در جریان و طول مبارزه بوجود میآید، نضج میگردد و محکم میشود در جریان مبارزات گذشته مکرر مواقع و مواردی پیش آمد که اکثریت نیروهای ملی در گیر و داز مبارزه بهم جوش خوردند و پیوند یافتند ولی با کمال تأسف چون بیشتر رهبران این نیروها بلزوم جنبه واحدی که تا نیل به پیروزی همه نیروهای ملی را در خود مضمع سازد معتقد نبودند، این پیوند را بریند و در نتیجه تفرق نیروها، بسپهن و مردم ما آن رسید که رسید. هدف ما در اینجا طرح مسائل گذشته نیست بلکه یاد آوری آنها برای تجربه اندوزی است. هم اکنون در مقابل چشم ما نیتونه جالبی از همکاری نیروهای ضد استعمار و ضد استبداد در مورد دفاع از چهارده نفر از جوانان قرار دارد. در این مبارزه که برای نجات این چهارده نفر در مقابل حکومت مستبد و گوش نفرمان شاه در گرفت، تمام نیروهایی که امکان مبارزه داشتند شرکت کردند و احد اقل نتیجه این مبارزه ولو اینکه با آزادی آنها منجر نشد و نیتوانست هم بشود این شد که شاه بالاچار دادگاه غیرقانونی نظامی خود را که سابقاً در رشته و ریبی سر و صدا تشکیل میداد، به دادگاهی که افتضاح و رسوائی دستگاه قضایی ارش را بر ملا کرد بدل ساخت و شاه «دموکرات» ایران را تا حد زیادی بمردم جهان شناساند. نیروهای مختلف ضد استعمار و ضد استبداد در صورتیکه در موارد مشخص بدون تعیض و صادقانه با هم کار کنند و مبارزه نمایند بتدریج همکاری با یکدیگر خواهند کردند و صداقت آنها در عمل معلوم میشود و آوقت است که میتوان این همکاری را تا حد جنبه واحد رساند و اساس پیروزی نهایی را بی زری کرد. هم اکنون عده ای از شخصیت های برجسته جنبه ملی و گروه کبری از مبارزان ضد استعمار در زندانهای حکومت جبار محمد رضا شام در قيد و بندند و آیت اله خمینی در عراق بحال تبعید بسر میبرند. آیا نیتوان برای آزادی آنها و برای دفاع از حقوق آنها مبارزه مشترکی دست زد و مبارزه مشکلی بوجود آورد؟ مسلماً امکان پذیر است. بهر حال نیتوان و نباید منتظر نشست تا وحدت نیروهای ضد استعماری و ضد استبدادی بخودی خود بوجود آید باید دست بعلل زد و در جریان مبارزه بوحدت رسید. رکود و سکون و میدان دادن اختلافات ولو بامدخل آنها باشد کاری از پیش نمیرد. حرکت، جنبش و کوشش در طریق مقصود را با برای آشنده باز میکنند و نشان میدهد که چه کسانی واقعا مبارزه با استعمار و استبداد را امری جدی تلقی میکنند و حاضرند در راه آن فداکاری و همکاری کنند. ما با وجود آنکه هدف نیر اتهامات ناروا از طرف عده ای از رهبران جنبه ملی هستیم باز ما گفته و باز هم تکرار میکنم که حاضریم ولو در مقابلین بسیار کوچک هم باشد با جنبه ملی سوم



کودکی و جوانی حیدر خان

مناسبت هشتاد و پنجمین سال تولد حیدر خان عمواوغلی
 حیدر خان عمواوغلی (۱۲۵۹ شمسی) در خاناواد، پویشکی مرسوم به لیریز علی اکبر افشار در ارومیه تولد یافت. همین مناسبت حیدر خان افشار نیز نامیده می‌شود. حیدر خان در کودکی با پدر و مادر به اهواز مهاجرت کرد و در آنجا به تحصیل پرداخت. در آنجا به پدر و مادر و برادران و دوستانش با محبت و مهر و بی ادبی می‌رفت. در آنجا به تحصیل پرداخت و به تدریس اشتغال نمود. در آنجا به پدر و مادر و برادران و دوستانش با محبت و مهر و بی ادبی می‌رفت. در آنجا به تحصیل پرداخت و به تدریس اشتغال نمود. در آنجا به پدر و مادر و برادران و دوستانش با محبت و مهر و بی ادبی می‌رفت. در آنجا به تحصیل پرداخت و به تدریس اشتغال نمود.

حیدر خان در آغاز سال ۱۲۸۲ شمسی به تهران عزیمت نمود و چند ماهی در بانک استقراضی و اداره راه آهن شهر ری و تهران کار کرد و سپس بعنوان متصدی و سر مکانیک کارخانه چرخ و برق تهران مشغول کار شد. حیدر خان به علت کار در کارخانه برق حاجی امین القزلباش معروف به حیدر خان برق شد. پس از چندی نظارت در ساختمانی ختیا با نهایی تهران و راه‌های شوشه اطراف تهران نیز به حیدر خان محول گردید. اشتغال بکارهای مختلفه موجب گردید که حیدر خان از نزدیک با زندگی توذاهای زحمتکش ایران و اوضاع اقتصادی و اجتماعی آشنایی یابد. حیدر خان از این موقعیت و فرصت برای نشر افکار انقلابی در میان کارگران و روشنفکران استفاده کرد و عده‌ای از ایرانیان مترقی و انقلابی را به مخفی سوسیال دموکراسی تهران وارد نمود و در تهران و سایر شهرها به ایجاد حوزه‌ها و محافل سوسیال دموکراسی مبادرت ورزید.
 این محافل سوسیال دموکراسی موسوم به مراکز غیبی گردید. (حوزه مخفی سوسیال دموکراسی اجتماعيون و عاميون) تهران برهبری حیدر خان تشکیل شد. مراکز غیبی بریز و مرکز غیبی رشت موسوم به کمیته ستادی در تربیت مجاهدین و انقلاب مشروطیت بدل مهمی بازی کرد و است جمعیت اجتماعيون و عاميون و محافل سری مربوطه آن را پایه، بر مرکز سوسیال دموکراسی ایران در عین حال در قفقاز تشکیل یافته بود. مراکز سوسیال دموکراسی قفقاز و انجمن شهر باکو تحت رهبری انقلابی معروف و برجسته اذربایجان توروی اربابان تبریز باوف آداب متشدد و عباس برادر حیدر در این انجمن شرکت فعال داشت مسائل سری قفقاز و انجمن باکو ضمن مبارزه علیه رژیم استبدادی ایران دو شاخه دوش زحمتکش باکو با رژیم تزاری روسیه مبارزه میکردند.
 پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵ روسیه حیدر خان عمواوغلی مهاجرتی بیکسوی هلند (بروکل) نمود و در این مسافرت توسط یکمیل پهلوپات فنی میخود میزبان اختی حیدر خان طبق توصیه انجمن مجاهدین فنون ساختگی، بیست روز به ایروان اهلجه و اردو تیکه بکان میاندوزی انقلابی میخورده است. اینوقت در سال ۱۹۰۷ میلادی (۱۲۸۶ شمسی) حیدر خان مجدداً بایران باز میگردد و فعالیت در انقلاب بخود را در رأس مجاهدین و مبارزین انجمن مشروطیت اذربایجان میگرداند. حیدر خان در ایروان در ناخدا خوبی و ماکور علیه ارتجاع و نظامهای باکو و لاقابلت سلطنته و جهانهاکه از ترحم لابل شکاک میوزات سخته نموده در این جنگها حیدر خان یلین رژیمان بین المللی مرکزین با جوانان کردیم با حزب با ایوانی از منیله آجوزی لگو جنای تریله غیره تشکیل داده و آنها را به ایروان علیه ارتجاع رهبری و برهبری نمودند. در همان ایام بود نام مشروطه خواهم «مکافات» چنین نوشته شد. در اکثر مجاهدات اذربایجان حیدر خان نبود بطور حتم قلیه غوی بدیست بر پنجمین میاندوزی در همین ایام است که حیدر خان حسین رشیدی بدیر فرزندک ایزد اولین جریستان را در خوی پیشینانی حیدر خان بنا می‌کند. حیدر خان در دفعه شجاع نظام بر ترحم مرفه و رنگه لیریز و دیگران خونخوار مستبدین و یکی از قوی ترین دشمنان آزادی ایران نماینده و فرادانم یکساله در ایروان مشروطه را مشروطه خواهان را از روش وی نجات بخشید و وی را بقتل رسانید.

محمد علیشاه برای اعاده ارتجاع و تسلط رژیم استبدادی خود سرهنک ولایت خوار و اداز کرد در تابستان ۱۹۰۸ مجلس شورای ملی ایران را به توپ بسته و آزادخواهان را قلع و قمع نماید. محمد علیشاه نه تنها مشروطه موره موافقت پذیرش را از بین برد بلکه آشکور ایران را از انقلابیالیشها فروخت. لذا تمام مردم ایران نسبت بوی افریت شدند. داشته اند این شخص جبار آزادخواهان ایران را توقیف و تبعید نموده بقتل میزسانیا سپهانگیزان خوار ایزد اقیل و ملک الیتکلیمین و سایر آزادخواهان معروف و نیکنام ایران را شهید کرده.
 حیدر خان عمواوغلی مأمور از میان بردن محمد علیشاه گردید. حیدر خان با همپاهاشیکه خودش ساخته بود بکلسکه محمد علی میرزا رفتی پرتاب نمود. سبب بدترشکه این و بعضی از مستخدمین محمد علی میرزا اصابت کرد ولی نتوان شاه خونخوار را اصابت نکرد. در نتیجه حیدر خان با داشت میشود و برای اعدام در اطاق مزگی زندانی میگردد. حیدر خان با کمک کمیته سری سوسیال دموکراسی و رفقای خود موفق میشود از زندان بگریزد. حیدر خان پس از فرار از زندان بلافاصله به قفقاز و آسیای میون و سپس به اروپا مهاجرت کرد و پیش از آنکه مدتی بتیسا به تصحیح نظریات سوسیال دموکرات با زبان بنگرید. در این موقع اقامت و مهاجرت در اروپا حیدر خان بیکار نشسته افکار عمومی آزادخواهان اروپا را برای پشتیبانی از مجاهدان آزادی ایران جلب میکرد.
 در اواخر سال ۱۹۰۹ امپریالیزم انگلستان و روسیه تزاری در کار داخلی ایران ختلاک کرده جنس آزادخواهان را در ایران سرکوت نمودند. روسیه تزاری در سال ۱۹۱۱ برای اخراج مورگان شوشر افریکانی رئیس دارائی اولیاناوم داد مردم بر علیه این اولیاناوم قام کردند و شال مرگ با استقلال شعار عمومی مردم ایران گردید. در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ قرارداد انگلستان با روسیه تزاری در باره تقسیم ایران و افغانستان و تبت امضا شد. قرارداد با صفتان ویز و قصر شیرین و سرحد دو القار جزو منطقه نفوذ روسیه تزاری بود. جنوب شرقی از برنج، گرمان و بندر عباس و حدود افغانستان جزو منطقه نفوذ انگلستان گردید. بود و بین منطقه شمال و جنوب یک ناحیه و منطقه بیطرف بود که برای ایران باقی مانده بود و آنها بعداً در سال ۱۹۱۵ بین طرفین تقسیم گردید. حیدر خان عمواوغلی چنانچه گفته شد افکار عمومی آزادخواهان اروپا را برای کمک با انقلابیون ایران جلب کرد و بوسیله رفقای خود او را بنگرید و شال و مپان و هلنا بگفرانس بک حزب بالیونیک به نژاد لادیمیر الینج لنین از فجایع و تجاوزات دولت روسیه تزاری نسبت به آزادخواهان ایران شکایت پرورید. در نتیجه بنا به پیشنهاد لنین کفرانس بک مورخه ۱۹۱۲ قطعنامه زیر را صادر می نماید: «حزب سوسیال دموکراسی کارگری روسیه خود آزادی را در ایران خفه کند اعتراض می نماید کفرانس بک هدردی کامل خود را با مبارزه و خلق ایران را از جمله نامبارزه حزب سوسیال دموکرات ایران بکمیته ببرد. علم سنجاری تزاری آن همه قربانیه داده است ایران مبارزه حیدر خان در

زندگی یک انقلابی

احتمالی بین این دو نفر موافقت حاصل نشد. حیدر خان بر علیه مذاخله ایلانها و ترکها در مامور ایران بود او عقیده داشت که ایران را خود ایران ها بهتر از هر خارجی میخوانند. ادبانه نمایند. بیرون ناپید آلت متقاضد امپریالیزم دیگران باشند. تقی ازاده عقیده ای متخالف حیدر خان داشت. حیدر خان تقی زاده چون در شخص حیدر خان عمواوغلی یک انقلابی مستقل الزامی وجودی نمیدید لذا با دادن اختیارات با او با شرکت وی مخالفت کرد و حیدر خان را طرد نمود.
 فعالیت حیدر در نهضت کارگری و کمونیستی ایران
 حیدر خان عمواوغلی پس از پیروزی انقلاب اکثر بروسیه مراجعت کرده بچکهای انقلابی علیه مذاخله جوانان امپریالیستی و ضد انقلابی دست زد. ابتدا در نظر وگراذ سپس در جنبه ترکستان در جنگهای داخلی علیه دشمنان انقلاب اکثر جنگ برداخت. مخصوصاً بر علیه قوای اشغالگر انگلستان که ایران و قسمتی از ترکستان و باکو را اشغال کرده بودند. در سال ۱۹۱۸-۱۹۲۰ بمشکل کردن زحمتکشان ایران و وارد کردن آنها بارش سرخ انقلابی ایران پرداخت.
 حزب کمونیستی (عدالت) که رسماً بلافاصله پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در باکو بوسیله اسداله غفارزاده و عده ای از انقلابیون ایران تشکیل شده بود، در اثر تعقیب ارتجاع و حکومت وقت

شرکت در کنگره خلقهای شرق

در سپتامبر ۱۹۲۰ کنگره خلقهای شرق با تکرار کمیتن در باکو تشکیل شد. در این کنگره حیدر خان با تفاق محمد آخوندزاده و دیگران شرکت داشتند. حیدر خان عمو اوغلی در رأس نمایندگانی ایران بود. مشارالیه جزو هیئت رئیس کنگره و بعداً در جزو هیئت اجرایی (شعبه تبلیغات) انتخاب شد. حیدر خان در این کنگره نطق زبانی آذربایجانی ایراد کرد که مورد توجه و آوازه فارسی ترجمه گردید. در این کنگره جنبش و اشتیاقات کمونیست ها و انقلابیون گیلان مورد بحث و تکرار قرار گرفت. در آن موقع چپ روان انقلاب سوسیالیستی را مطرح میگردند و اموال بورژوا و خرده بورژوا را مصادره مینمودند و ضمناً برای برداشتن چادر زنان و بر علیه مذهب اقدامات و عمل میگردند. چپ روان تمام قشرهای مختلف زمختگان را بمخالفین انقلاب مبدل کرده بودند. حیدر خان پس از خاتمه کنگره در میتینگ عمومی شهر باکو نطق مبسوطی ایراد کرد.

در اوج انقلاب گیلان اولین کنگره حزب کمونیست ایران در ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰ در بندر انزلی تشکیل یافت. این کنگره از کادرهای حزب سوسیال دموکرات (عدالت) تشکیل گردید. فعالیت عمده این حزب بیشتر در گیلان انقلابی بود. گیلان در آن موقع پایگاه نهضت رهایی بخش ایران بود.

برنامه حزب کمونیست استخراج امپریالیستی از ایران در برچیدن بساط سلطنت و فئودالیسم بود. در قسمت ارضی ضبط املاک فئودالها و ملاکین بزرگ و تقسیم پلاعوض آنها بدو تاقیم مطرح میشد. کنگره اول حزب کمونیست پس از تصویب برنامه اساسنامه نهیت و تئوریکي بولادیمیر ایلیچ لنین ارسال داشت و ۱۵ نفر را بعنوان کمیته مرکزی انتخاب کرد. سلطان زاده (صدر) کامران آقاوی و میر جعفر پیشه روی (جواد زاده) سمت دبیران حزب انتخاب شدند. حیدر خان عمو اوغلی در این کنگره بجهت زلز شرکت نداشت.

- ۱- حیدر خان در آن موقع سرگرم مبارزات و جنگهای داخلی در ترکستان بر علیه مداخله جویان امپریالیسم انگلستان بود.
 - ۲- حیدر خان در آن موقع ایرانیان مقيم آسیای میانه (ترکستان) را تجهیز میکرد و آنها را به ارتش سرخ وارد میکرد ویا برای کمک به انقلاب گیلان اعزام میداشت.
 - ۳- حیدر خان عضویت شورای جنگ جنبه مشرق (ترکستان) را بعهده داشت و بر علیه اشغالگران و ضد انقلابیون در جنگ و نبرد بود.
 - ۴- دلیل دیگر عدم شرکت حیدر خان در کنگره اول اختلاف نظری بود که با سلطان زاده و آقاوی ها داشته است. حیدر خان آنها را چپ رو میدانست.
- پس از اندک مدتی در اثر فعالیت چپ روانه حزب کمونیست بین زعمای انقلاب گیلان وحدت مبدل با اختلاف شد. تند روی و چپ روی کمونیست ها از طرف دیگر جنبه واحد ملی را متلاشی کرد. کوچک خان حاضر نبود که از محیط گیلان با فراق گدازد و اصلاحات ارضی را غنای نماید. حزب کمونیست قطعنامه ای در باره تعویض کوچک خان از صدارت انقلاب صادر کرده بود. خلاصه کوچک خان در ۲۰ ژوئیه ۱۹۲۰ از مقام خود مستعفی و با قوای خود به جنگ میروید. به این طریق انقلاب گیلان مشتمل میگردد. بدیهیت عمال امپریالیسم و ارتجاع ایران محکوم و مشوق این اشاعت بوده اند.
- در ۳۱ ژوئیه ۱۹۲۰ حکومت جدید انقلاب گیلان بر بنیاد احسان اله خان بنام کمیته آزادی ایران تشکیل شد. از حزب کمونیست رفقای سلطان زاده یعنی جواد زاده و کامران آقا زاده و اردابین کمیته شدند یعنی در دولت احسان اله خان شرکت جستند. احسان اله خان در سالهای ۱۹۱۵ در کمیته مجازات با حسین خان اله ابوالفتح زاده و پیشه‌ماز زاده کار میکرد. پس از دستگیری و اعدام رهبران کمیته مجازات احسان اله خان با تفاق دکتر حشمت طالقانی و جوادخان تنکابنی بهضمت جنکلی پیوست. احسان اله خان تحصیلات قضائی خود را در پاریس با تمام رسانده.

کرنسکی و نیز کشتار ارتش اشغالگر ترکیه وغیره ضعیف و تقریباً متلاشی شده بود. خود اسد اله غفاز زاده در راه ارتباط گرفتن با قوای پارتناری جنکلی بوسیله عناصر ضد انقلابی مقتول شد. جنکلیها مجاهدین و مبارزانی بودند که علیه اشغالگران امپریالیستی و در بار فاسد قاجاریه در جنگهای پارتناری میبداختند. قوای جنکلی جنگهای خونین علیه قوای اشغالگر انگلستان نمود و مدت مدیدی مانع حرکت ارتش انگلستان بسوی قفقاز شد.

حیدر خان براهی حسن نیک بین (که پس از وی دبیر کل حزب کمونیست ایران بود) در سال ۱۹۱۸ دومین کنفرانس حزب عدالت را در عشق آباد تشکیل داد و دستجات متفرق حزب عدالت را با هم متحد و خود حیدر خان بعنوان صدر حزب عدالت انتخاب گردید.

حیدر خان در سال ۱۹۱۹ بدعوت لنین از طرف حزب عدالت در تشکیل اولین کنگره بین المللی سوم کمونیستی به پتروگراد دعوت میشود بعداً بنمایندگی ایران بصفت اجرایه بین المللی سوم (کمیتن) وارد شد.

در میتینگ بین المللی کارگران پتروگراد که بمناسبت ایجاد بین المللی کمونیستی تشکیل شده بود. حیدر خان نطق مبسوطی از وضع ایران و آمادگی مردم ایران برای مبارزه و کمک بارش آزادی بخش سرخ ایراد نمود. و این نطق در جراند پتروگراد در آن زمان درج و منتشر گردید. نام مستعار حیدر خان در این دوران رجب بزمی بود.

و مبارزه بزرگ

حیدر خان در آخر نطق خود چنین گفت:

انقلاب اکبر قرارداد ۱۹۰۷ بین انگلستان و روسیه را از بین برد. انقلاب اکبر تمام مقاصد و هدف هائیکرانه امپریالیسم روسیه را از بین برد. ارتش ایران را فراخواند و بدبطریق پایه اساس انقلاب سوسیالیستی جهان را پایه گذاری کرد. رفقا! امروز پس از پیروزی انقلاب اکبر شما را مانند برادران و دوستان خود حساب میکنیم و برادر وار بایستی کمک همدیگر باشیم. ما موفق شدیم تا بحال ۱۳۸۰۰ نفر ایرانی را در صفوف ارتش سرخ متشکل کنیم. ما بیش از پیش خوشوقت و سعادتمند خواهیم بود که رابطه بیشتری بین روسیه امروز و ایران انقلابی برقرار کنیم. بیا امکان بدهید که دوشادوش شما در ریفیت شما بدوستان مشترک مبارزه نماییم. ما خواهیم توانست تا صد هزار نفر ارتش سرخ ایرانی تهیه نماییم. بنیامینت نیست در باره تشکیل اردوی سرخ از ایرانیان خارجی را که در همان ایام در یکی از روزنامه های سمرقند چاپ شده بود نقل کنیم. مجله هفتگی شعله انقلاب چاپ سمرقند بزبان فارسی مورخ ۲۱ مارس ۱۹۲۰ شماره ۳۵ خود چنین نوشت: «۱۵ فوریه ۱۹۲۰ در تاشکند مسجد ایرانیان میتینگ را بجران ایرانی برپا گردید. دو صد نفر باز کارگران ایرانی حضور داشته اند. میتینگ را نماینده کمیته مرکزی حزب عدالت (اشتراکیون) علیخان زاده گوشود. سپس رفیق مصطفی صبحی از سیاست استیلاگرانه متفقین در ایران و در تمام شرق بیانات و توضیحات داد. همچنین رفقا سلطان زاده و فتح اله زاده در باره اقتصاد ایران نطق هائی کردند. در آخر از طرف مجلس قرارنامه ای صادر و قبول شد. بنا به پیشنهاد یکی از رفقا قرار گذاشته شد برای فرستادن بايران یک اردوی سرخ از ایرانیان تشکیل یابد. در همان مجلس تمام دوستان نظر یعنی همه حاضرین در اردوی سرخ نام نویسی کردند.»

بود. او مردی بود دموکرات و متهور ولی با نظریات آنارشیستی. پس از شرکت رفقای سلطان زاده در حکومت انقلابی گیلان چپ رویها توسعه یافته و بعد کمال رسید. انقلاب گیلان با آن کمیابهای درخشانی که چریکل را نگران و مضطرب نموده بود و ارتش انقلابی را تا نزدیک انزلی رسانده بود دچار شکست میشود.

لشکریان شاه با کمک ارتش اشغالگر انگلستان شهر رشت را اشغال کردند و به نزدیکی غازیان و رشت رسیدند. فقط بعد از جنگهای خونین و مقاومت سخت انقلابیون در بندر انزلی و غازیان و تلفات زیاد دشمن لشکریان شاه رشت را تخلیه تا امامزاده هاشم عقب نشینی و در دوبار منجیل موضع گرفتند.

حیدر بر رأس حزب کمونیست ایران و انقلاب گیلان

در نتیجه اعتراضات توده حزبی و نارضائی زمختگان از چپ روی در انقلاب گیلان تحت زعمانی بین المللی کمونیستی پلنوم کمیته مرکزی در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۲۰ تشکیل شد. پس از انتقادات لازمه رهبری حزب کمونیست بدست حیدر خان و رفقای وی سرده شد حیدر خان بعنوان صدر کمیته و دبیر کل انتخاب میگردد. حسن نیک بین نیز بعنوان معاون و دبیر حزب تعیین میگردد. اعضای منتخب دیگر محمد آخوندزاده شیرازی، محمد رسول آستینی و دیگران بوده اند. با انتخاب حیدر عمو اوغلی انقلاب گیلان از عناصر چپ رو تقویه میشود و انقلاب گیلان به مرحله سوم خود (وحدت جدید) وارد میشود.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران از تاریخ حیدر خان را باره دوره های انقلاب ایران و منظره انقلاب گیلان را مطرح و مورد تصویب قرار میدهد و نیز برنامه اساسنامه حزب را تصویب مینماید. این ترها و سازش مدارک بو بنیاد مارکسیزم و لنینیزم بوسیله شخص حیدر خان تهیه و تنظیم میگردد.

تعام هم و کوشش حیدر خان در این بود که انقلاب گیلان را سر و صورتی بدهد و آنرا از دست اشخاص نالایق و چپ رو هائی مانند آقا یوف ها و صدقائی ها نجات بخشد.

حیدر خان پس از بدست گرفتن رهبری حزب با عده ای از جوانان رشید و پوزیده با وجود مشکلات زیاد و مخالفت های چپ و راست بنا مقدری اسلحه بگیلان حرکت مینماید. در این امر خطیر پشتیبان و الهام دهنده حیدر خان غیر از توده انقلابی ایران رفقای رهبری حزب کمونیست تقویت میکنند. زریان فریمانوف اورنژیکینزده و غیره بوده اند. حقوق گیلان پس از آمدن بگیلان دست بکار شد و موفق گردید بین زعمای انقلاب گیلان انبام دهد. او حکومت انقلابی جدید تحت رهبری مجدد کوچک خان بوجود بیآورد.

و خود حیدر خان در دولت انقلابی جدید وزارت امور خارجه را بعهده گرفت. ولی در حقیقت رهبری تمام جریان انقلاب گیلان با حیدر خان بوده است.

کمیته جدید انقلاب مرکب از میرزا کوچک خان - احسان اله خان - حیدر خان عمو اوغلی - خالو قربان و میرزا محمدی بود. بین زعمای انقلاب موافقت نامه ای با مقاضا رسیدند.

شرکت حیدر خان عمو اوغلی که اشهری زیادی در انقلاب مشروطیت ایران داشته با آورده بود. در انقلاب گیلان موجب سرعت و خوشحالی آزادخواهان و رونق مجدد انقلاب گیلان گردید. در عین حال موجب وحشت و نگرانی مجادل ارتجاع و امپریالیسم شد.

حیدر خان و حزب کمونیست مشی متحد کردن تمام قوای انقلاب را در گیلان مطرح نظر قرار میدهند. وجهه واحد ملی تشکیل میگردد. در لنین دوره بود که برای تحکیم توطئه صوفی خود حزب به تصفیه خود از عناصر ناباب و مخالف مبارزت میورزد.

حیدر خان عمو اوغلی و انتشار از شخصیت های برجسته و انقلابیون بروز میهن قامت. نوی یکی از بنیادگذاران نهضت مشروطه و پایه گذاران جنبش کارگری و از پیشاهنگان ترویج اندیشه مارکسیزم و لنینیسم در ایران است. حیدر خان مؤسین حزب عدالت و جنبش سوسیالیست دیمکراسی انقلابی در کشور است. وی هم چهل عام بود و هم اهل عیال و بدین ترتیب از تابانگترین های تاریخ معاصر است. جواد زاده تسل انقلابی ایران زندگی او را سر مشق مبارزه و تقویت سیمان به تهران آوردند.

حیدر خان عمو اوغلی و انتشار از شخصیت های برجسته و انقلابیون بروز میهن قامت. نوی یکی از بنیادگذاران نهضت مشروطه و پایه گذاران جنبش کارگری و از پیشاهنگان ترویج اندیشه مارکسیزم و لنینیسم در ایران است. حیدر خان مؤسین حزب عدالت و جنبش سوسیالیست دیمکراسی انقلابی در کشور است. وی هم چهل عام بود و هم اهل عیال و بدین ترتیب از تابانگترین های تاریخ معاصر است. جواد زاده تسل انقلابی ایران زندگی او را سر مشق مبارزه و تقویت سیمان به تهران آوردند.

در شماره هشتم ماهنامه مردم حزب توده ایران و جنبه ملی سوم، در صفحه ۷، ستون ۳، سطر ۴، بجای آستینی کمونیسم، کمونیسم چاپ شده است از خوانندگان گرامی تقاضا میشود است این غلط چاپ را تصحیح فرمایند.

تصحیح

در شماره هشتم ماهنامه مردم حزب توده ایران و جنبه ملی سوم، در صفحه ۷، ستون ۳، سطر ۴، بجای آستینی کمونیسم، کمونیسم چاپ شده است از خوانندگان گرامی تقاضا میشود است این غلط چاپ را تصحیح فرمایند.

دیگر معلوم نیست دادرسی قضائی چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد.

بمناسبت این محاکمه مقامات ایرانی کوشیدند نشان دهند که در کشورشان محاکمات سیاسی طبق قواعد علنت و بیطرفی جریان دارد زیرا محاکمه علنی است و به ناظرین خارجی و از جمله نماینده جمعیت بین المللی حقوقدانان دموکرات اجازه داده شده است که در محاکمه حضور یابند.

امروز معلوم میشود که تمام این جریان جز ظاهر سازی مضحکی بیش نیست زیرا حکم از پیش صادر شده آنهم از طرف خود شاه...

بنا بر این باید افکار عمومی بین المللی با قدرتی بیشتر از پیش تظاهر کند تا بتوان اعدام‌های را که طرح آن از طرف حکومت ریخته شده است با شکست روبرو ساخت. باید بوسیله نامه‌های اعتراض و اعزام هشتهای نمایندگی این اثرچار و نقرتی که در نتیجه اظهارات شاه بوجود آمده است سفارت ایران در فرانسه رساند.

افکار عمومی جهان اعتراض میکند

رسوا را شرح زیرین برای روزنامه اومانیتت تفسیر میکند: «مداخله قوهٔ مجریه در امری که تحت محاکمه است و هنوز حکمی درباره آن صادر نشده بمنزله اعمال فشاری است که در هیچ کشور متقدم قابل قبول نیست. در واقع اظهارات شاه بدین معنی است که قضات در صورتیکه حکم محکومیت مورد تقاضا را صادر نکنند از حکم شاه تبرک کرده اند و این امر نه تنها مخاطراتی برای مقام آنها بوجود می‌آورد بلکه مخاطراتی برای امنیت شخصی آنها در بر دارد بوته آنکه ایران کشوری دیکتاتوری است. استقلال قضایی یکی از تضمین‌های اساسی برای محاکمه شوندگان است. بنا بر این اگر رأی دادگاه تهران باید از جانب قوهٔ مجریه صادر گردد

دامنه اعتراضات بین المللی علیه محاکمات غیر قانونی نظامی بسط می‌یابد

اعتراضات بین المللی علیه محاکمه روشنفکران ایرانی روز بروز بسط می‌یابد.

از جمله بوروی مرکزی ت. ژ. ت. (بزرگترین اتحادیه کارگران فرانسه) در نامه و تلگرافی که روز ۱۰ دسامبر برای نخست وزیر فرستاده است قاضیه مجازات‌هایی که مورد تقاضای «ادانتان» دولتی است اعتراض نموده و خاتمه محاکمه رسوای تهران و منع تعقیب مهمبن و الغاء احکامی را که صادر شده خواستار گردیده است. در همین حال بوروی مرکزی اتحادیه کارگران فرانسه در پیامی که یکمسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد فرستاده تقاضا نموده است که یک هیئت رسیدگی از طرف سازمان ملل متحد بایزبان اعزام گردد.

نامه‌ها و تقاضاهای مشابهی نیز از جانب فدراسیون بین المللی حقوق بشر، سوسیال‌کنی سوسیالیست کارگران فرهنگ فرانسه، اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه، اتحادیه دانشجویان عربی در اروپا، جمعیت دانشجویان عرب در فرانسه، جمعیت دانشجویان مسلمان آفریقای شمالی، اتحادیه دانشجویان مراکش، اتحادیه دانشجویان الجزایر، دانشجویان گروه سوسیالیست تونس، اتحادیه دانشجویان کمونیست فرانسه، جنبش جوانان کمونیست فدراسیون گروه‌های دانشجویان ادیبان فدراسیون

دانشجویان آفریقای سیاه و غیره فرستاده شده است.

شاه پنجم رسوائی قضات را تحت فشار قرار میدهد

روزنامه فرانسوی اومانیتت در شماره ۹ دسامبر ۱۹۶۵ خود خبری بمضمون ذیل در باره جریان محاکمه ۹ نفر روشنفکر ایرانی نوشته است:

«در حالیکه محاکمه ۹ نفر روشنفکر ایرانی در تهران جریان دارد، شاه رأی قضات دادگاه را خوب از پیش بینان میکند چنانکه اخیراً گفته است: «این خوانان هر قدر هم ارتکار کنند باز نگاهدارند». استبداد رژیم بوزمان دیرین کل جمعیت بین المللی حقوقدانان دموکرات این اظهار

روز ۱۰ - دسامبر ۱۹۴۸ مطابق با ۱۹ آذر سال ۱۳۲۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اتفاق آراء اعلامیه ای در باره حقوق بشر صادر کرد. این اعلامیه بعداً بتصویب مجلس ایران رسید. طبق این اعلامیه «هر انسان حق آزادی فکر، عقیده و مذهب دارد» (ماده ۱۸) «هر انسان حق دارد آزادانه عقیده خود را بیان کند» (ماده ۱۹) اما در ایران آنچه وجود ندارد آزادی فکر و عقیده است. تمام مذهب پرستانی که در ۱۲ سال اخیر زندانی، تبعید و اعدام شده‌اند گناهشان فقط داشتن فکر و عقیده بوده است. شاه از یکسو حقوق انسانی مردم ایران را لگدمال میکند و از سوی دیگر روز اعلامیه حقوق بشر را سالوسانه جشن میگیرد.

تقویم مردم

دانشجویان که اعصاب حسرت زده ایران و جبهه ملی بودند یادشان پیوسته گرامی است و هزارها دانشجویی که در سراسر ایران، اروپا و آمریکا علیه رژیم فاسد شاه مبارزه میکنند وارثین برحق ستهای انقلابی دانشگاه هستند.

۱۹۴۰ آذر سال ۱۳۲۷

۹ آذر سال ۱۳۲۴

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زبان تشکیل شد. طی نشست شالک اعتراضات این سازمان جهانی میگردد میلیونها زن از طریق سازمانهای متحد در آن متشکل شده اند. تشکلات دموکراتیک زنان ایران و سازمان زنان ایران که تا کیو دای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۸ فعالیت برداشته‌ای جز بینه زنان ایران داشتند و در بین زنان مبارز ایران از حیث قراوان بر خود در نظر می‌گیرد از اعضا فدراسیون دموکراتیک بین المللی زبان هستند.

۱۶ آذر سال ۱۳۳۲

در ماه‌های پیش از کودتای شاهانه ۲۸ مرداد شاه که از دانشجویان وحشت داشت گروه‌های مسلح متحدی را بدانشگاه فرستاد. دانشجویان میخواستند که

و عدالت موجود نیست همه دیدند که فاجعه‌ها قوانین ساخته و پرداخته رژیم هم را شکست داد. دیگر در برابر افکار عمومی ایران و جهان این جنابان بودند که رسوا و محکوم شدند نه قربانیان. نمونه زنده رسوائی و محکومیت گردانندگان محاکمه فرمایشی در افکار عمومی جهان گزارش بسیار حالب آقای لوئیزی کوالیبری حقوقدان ایتالیایی است که خود خصصاً در دادگاه غیر قانونی نظامی حضور داشته است. مخبر روزنامه لوموند نیز در مصاحبه اخیر خود باشاه و در چند مقاله خاص بشیوه دیگری بی‌باکی اتهاماتی را که به میتیمین وارد آمده فاش کرده است.

بر شیوه اعمال جنایتکارانه رژیم جنایت افزوده شد. ولی اگر شاه و حاکمانش خیال میکنند با ژورن می‌توان مردم ایران را بتسلیم در برابر سلطه ژورنورد واداشت سخت در شباهند. تاریخ ملت ما به تنهائی برای درک این حقیقت کافی است.

زنها و جهانیان و عظیم زاده و جواد فروغی بیروت دادند. آنها همراه دیگر خلقهای ایران تحت رهبری حزب توده ایران - حزب واحد کارگری سراسر ایران بی‌خستگی و دهور تا پیروزی نهائی خواهند رویید. ما بمناسبت بیست و نهمین سال جنبش دموکرات آذربایجان بپروان پاک و کلینک شهیدان این جنبش درود میسرستیم.

با خوشوقتی تلقی میکنیم و هر اقدامی را که در جهت تقویت جنبش جهانی بخش ملی بعمل آید تأیید میکنیم و آنچه را که بنظر ما مفید می‌رسد ایران میکنیم.
رضوی

رویدادها و تفسیرها

تأشقیان بشاه زده اند. اعتراضات غذا برای مدت ۵ روز بازمه داشت و روز اول دعواه بهادری رسید. در آلمان غربی اعتراضات غذا با شرکت در حدود ۶۵ هزار نفر شهر هامبورگ انجام گرفته. قیام از شروع اعتراضات جلسه مطبوعاتی با حضور نمایندگان جرالد آر. دیو و تالوزین و تاملیم رسائیهائی دانشجوین آلمانی یک نماینده مجلس آلمان غربی و عده ای از استادان دانشگاه تشکیل شده و راهپیمایی روزی در دو روز انجام پذیرفته است. در فرانسه مجلس آلمان غربی بعداً بهشارت ایران اعتراض کرده و ۱۹ نفر از استادان دانشگاه هامبورگ جداگانه تظاهراتی گرانسویزیان ایران داشته‌اند. مکرر آمده روز ۴۷ آذر (۱۸ دسامبر) تظاهرات وسیعی به اشد شدت به اشد شدت از دانشجویان ایرانی و آلمانی در شهر هامبورگ صورت گرفته و طی آن ۲۰ هزار اعلامیه بنشین شده است. احتمال میگردد که تا این لحظه بشاه رسیده حاکی است که دانشجویان غربی نیز اقدامات مشابهی در ایران اعزام کرده و نمایندگان آنها

با محکوم واقعی جنابان اند نه قربانیان علی‌رغم خشم و اعتراض شدید افکار عمومی ایران و جهان دادگاه غیر قانونی تجدید نظر احکام صادره از دادگاه بلوی نظامی را در باره میتیمین مجازت کواج مرمو یکم تغییر تأیید کرده. در هر حال احکام فرمایشی متصدی و کابینائی ابرام بشده و خطوبی که بران این دو نفر را تجدید میگرد مسلم گردیده است. نمایان لحظه هنوز از اجرای این حکم نظرالعالم و غیر قانونی مخبری نیست. ولی این جریبات موجب خشم و اعتراض جدیدی از درمیان مردم ایران و افکار عمومی جهان در فرانسه بوجود آمده است.

کفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی از اعضا خود حقوقت کفدراسیون را به تمام امکانات با اعتراض بر می‌زند و از روز ۱ آذر (۱۷ دسامبر) در تمام کشورهای اروپای و آسیا نمایندگان دانشجویان ایرانی در هر کشور یک شهر جمع شده و بیعت

بگذرا کای که گشت و در بسیاری از موارد مطالبی را در باره «بیام دانشجو» صحن پیشنهاد های حقوقی و معنای نسوم بدوستی را که از خصوصیات ضروری برای این جبهه عبارت می‌باشد، نیز از راهزانی از توده مردم بعنوان نیروی اساسی جنبش ملی ایران و ناآشنایی بوجه عمیق به نیازهای جامعه ایران و اعلام شعارهایی که بزودی می‌آید. هنر چه بیشتر جبهه را به بحر و غیر از مردم جامعه ما نمیکن سازد و تأیید می‌گردد. ما هر پیشرفتی را که در راه اتحاد نیروهای ملی حاصل شود ندیده انصاف

بقیه از صفحه ۲
در باره جبهه ملی سوم اثران
اعتقاد دارند امکان پذیر نیست، توده‌ها تا بد ترک کنند که سازمانهای ضد استبدادی و ضد استعماری طریقدار آزادی و وجود وضع آنها هستند و این کاره جز از طریق بود یک شدن بزحمت کشتان شهر و ده و نشان دادن علاقه بسرنوشت آنها امکان پذیر نیست. نفوذ در توده‌ها و متشکل کردن آنها و کشاندن آنها بپارچه دستجمعی بهتر شکل که باشد بخصوص در شرایط دشوار کشور ما کار آسانی نیست

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

دستگاه ترور و اختناق رژیم ضد دموکراتیک ایران همچنان به توطئه سکوت سنتی خود درباره بازداشت و محاکمه اعضاء حزب توده ایران ادامه میدهد .

بیش از یکسال و نیم است که رقتا پرویز حکمت‌جو ، علی خاوری و شش نفر دیگر از اعضاء حزب توده ایران بوسیله سازمان امنیت دستگیر و زندانی شده‌اند . مدت‌ها بازداشت و زندانی شدن این رقتا چنان پنهان نگاهداشته شده بود که حتی خانواده های آنان نیز اطلاعی از سرنوشت عزیزان خود نداشتند و این بطور کلی شیوه سازمان امنیت درباره اعضاء حزب توده ایران است . پس از آنکه دوران شکنجه و آزارهای غیر انسانی که در اصطلاح سازمان امنیت « مرحله تحقیقات » خوانده میشود سپری شد و خانواده‌های زندانیان توانستند از زنده ماندن آنان اطلاعی بدست آورند باز تا مدتی محل بازداشت آنها پنهان نگاهداشته شد تا اینکه بالاخره معلوم گردید پرویز حکمت‌جو را بزندان دژبان منتقل نموده‌اند و قرار است وی و علی خاوری و شش نفر دیگر از اعضاء حزب توده ایران که پرونده آنها را بهم مربوط ساخته‌اند در دادگاه در بسته نظامی محاکمه شوند .

با وجود این هنوز هیچگونه اطلاع رسمی درباره اتهام و محاکمه این رقتا انتشار نیافته است . رژیم ضددموکراتیک ایران بخواهی میداند که این افراد هیچ‌گناهی جزوفاداری به آرمانهای حزب توده ایران و فعالیت در راه استقلال کشور و آزادی مردم ندارند . دستگاه اختناق شاه نیک میداند که داشتن عقیده و عضویت در یک سازمان سیاسی طبق قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر نه تنها جرم نیست بلکه در عداد حقوق دموکراتیک مسلم افراد تلقی گردیده است . بهمین جهت است که از انتشار علل بازداشت ، دلایل اتهام آنان و نشر کثیر خواست خودداری میشود و دادرسی آنان در دادگاه در بسته نظامی جریان مییابد . بهمین جهت است که دادستان ارتش کثیر خواست دستوری خود را که طبق آن برای رقتا پرویز حکمت‌جو و علی خاوری قاضی مجازات اعدام نموده است از افکار عمومی مردم ایران و جهان مخفی میکند و با این عمل میکوشد تا بلکه داغ رسوایی را که محاکمات غیر قانونی اخیر به پیشانی این رژیم زده است از انظار پنهان سازد .

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران وظیفه خود میداند که افکار عمومی مردم ایران و جهان را از این اعمال غیر انسانی و خود سرانه رژیم جابر و آزادی‌کش ایران و از توطئه خطرناکی که برضد جان جمعی از فرزندان میهن پرست ایران در شرف تکوین است آگاه سازد و از تمام میهن پرستان و آزادیخواهان ایران ، از کلیه افراد و محافل دموکراتیک جهان بخواهد تا علیه این بیدادگری برخیزند و صدای اعتراض خود را هر چه رساتر علیه محاکمه غیر قانونی اعضاء حزب توده ایران در دادگاه غیر علنی و فرمایشی نظامی بلند کنند .



دامنه اعمال شدت و فشار رژیم ضد ملی چنان وسعت یافته که تمام احزاب و سازمانهای اپوزیسیون ، کلیه طبقات و قشرهای میهن پرست و آزادبخواه کشور اعم از توده‌ای ، مصدقی ، سوسیالیست ، ناسیونالیست ، روحانی ، استاد ، دانشجو ، کارگر ، دهقان ، پیشه‌ور ، کاسب و تاجر و غیره را در بر میگیرد . هم اکنون سه گروه مختلف منتسب به گرایشهای گوناگون سیاسی در دادگاههای نظامی مورد تعقیب و محاکمه اند . این سه گروه عبارتند از عده ای از رهبران جامعه سوسیالیستهای نهضت ملی ایران و ۵۵ نفر از جوانان منتسب به حزب اتحاد ملی اسلامی و ۸ نفر از اعضاء حزب توده ایران .

یگانه راه برای مقابله با تعرض جدید ارتجاع اتحاد و همکاری نزدیک کلیه نیروهای ملی و آزادبخواه ایرانست . مبارزات پراکنده و متفرق هر قدر هم به نیروی ایمان و عقیده متکی باشد نمیتواند بکامیابی برسد و ناچار جدا جدا بدست دشمن مشترک تباه خواهد شد . جز اتحاد راهی نیست و هر قدر در برابر این واقعیت مسلم مقاومت بخرج داده شود بهمان اندازه حصول نتیجه مشترک بمقت رانده میشود .

محاکماتی که هم اکنون علیه عده ای از اعضاء حزب ما و سایر سازمانهای اپوزیسیون ملی و دمکراتیک ایران جریان دارد بما فرصت میدهد که یکبار دیگر همه سازمانهای ملی و آزادبخواه ، همه کسانی را که باستقرار آزادی و دموکراسی در کشور ما علاقمند اند بان اتحاد عمل واقعی برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی و لغو محاکمات قومایشی نظامی دعوت کنیم . با مبارزه متحد و مشترک همه نیروها میتوان بار دیگر رژیم ضد دموکراتیک را وادار به عقب نشینی نمود .

عمل متحد و متشکل کمیته‌های دفاعی که در نقاط مختلف تشکیل یافته است میتواند بهترین وسیله این وحدت عمل قرار گیرد .

حزب توده ایران بسهم خود برای همه گونه همکاری در این مورد آماده است .

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

۹ اسفند ماه ۱۳۴۴